

دو کارشناس ادبیات پایداری کتاب «تابستان ۱۳۶۹» به کوشش مرتضی سرهنگی را بررسی کرده‌اند

غصه می‌خوریم چرا این ادبیات مخاطب کمی دارد



شاید غصه

بخوریم چرا این

ادبیات در کشور

ما مخاطب کمی

دارد و اقبال

زیادی به آن

نیست. کارها پس

از نشر در یک چاپ

می‌مانند و تجدید

چاپ نمی‌شوند

بسیار محل اعتناست. به گونه‌ای که در غرب حتی در مطالعات بالینی و روان‌شناسی بیشترین مکت، تامل و تحقیق دانشگاهی را در پی دارد. به این دلیل که یک لحظه دگرذیسی و دگرگونی ۱۸۰ درجه‌ای زندگی از آزادی به اسارت است. هجوم خاطرات، تأثیر و تأثرات زیسته در آن لحظه خیلی در غلبان و اوج است و ساده نیست!

در لحظه اسارت چه گذشته است

آنچه که در کتاب تابستان ۱۳۶۹ چاپ شده برای ما سند انسان‌شناسی از چهل انسان معاصر است که تعدادی از آنها هنوز در بین ما زندگی می‌کنند و فکر می‌کنم تعدادی از آنها در سنوات اخیر به شهادت رسیده باشند. این کاری که صورت گرفته و در آن لحظه اسارت قاب‌بندی و کوتاه شده برای مخاطب امروز است که بخواند و دریابد که در لحظه اسارت اسرای ایرانی در عراق چه گذشته است.

(با سپاس از ماهرخ

ابراهیم‌پور و داوود

ضامی)



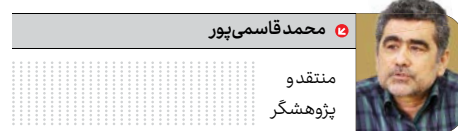
دل مشغولی اصیل و پایدار اوست، به عبارتی فعالیتش در این عرصه قدمتی بیش از چهل سال دارد. از این رو مکت و تامل برای انتخاب سوزۀ این کتاب امری حساب‌گرانه است که پهلوی به ذائقه‌شناسی مخاطب می‌زند. استاد سرهنگی با قاطعیت اعتقاد دارد که ما وظیفه داریم که مخاطبان را با ادبیات اردوگاهی آشنا کنیم، چون این ژانر ادبیات مهم و جدی ملل است و خاص ما نیست.

دو، سه میلیون رزمنده جنگ

شاید غصه بخوریم چرا این ادبیات در کشور ما مخاطب کمی دارد و اقبال زیادی به آن نیست. کارها پس از نشر در یک چاپ می‌مانند و تجدید چاپ نمی‌شوند. در حالی که با فراوانی جمعیت ایران و دو، سه میلیون رزمنده جنگ دیده که داریم؛ تعداد آزادگان با فرزندان و بستگانی که پیرامون آنهاست و خودشان باید یک جامعه آماری تعیین‌کننده‌ای داشته باشند برای خوانش یک کتاب خاطرات اسارت، اما چنین نیست. در واقع به نظر در این کتاب یک تمهید جدی برای تحریک ذائقه مخاطبان صورت گرفته تا بتوان آنها را درگیر این ادبیات کرد. با سرفصل‌هایی که قاب گرفته شده، کوتاه، تأثیرگذار و موجب درنگ است. از این لحاظ ساختار یا قاب‌بندی اولیه‌ای در این کار بوده و تیم تحقیقی هم در این کار همراهی خوب و موثری کرده است که در کل ابداع و اقدام هوشمندانه خوبی صورت گرفته است.

چهل خاطره از لحظه اسارت

چهل نامه‌ها، چهل خاطره و داستان در ادبیات دینی و عرفانی و بعضاً داستانی ما معمول و مرسوم است و کتاب تابستان ۱۳۶۹ هم چهل خاطره از لحظه اسارت که شاید عادی و ساده به نظر بیاید، اما در بحث اسارت آن دقایق آغازین



محمد قاسمی‌پور

منتقد و پژوهشگر

در کشور ما بعضی عرصه‌های کار نشده و تجربه نشده وجود دارد که پایمردی و همت می‌خواهد تا امری تاسیس شود و شکل بگیرد. انگار قانون نانوشته‌ای وجود دارد که یا نباید به آن عرصه پا گذاشت یا باید پای صفر تا صد آن فقط خودت باشی و خودت! به عبارتی مادر عرصه ادبیات یک ژانر نوشتاری و سرفصل موضوعی برجسته داریم که موضوع کتاب حاضر «خاطرات اسارت» است. این موضوع از سال‌ها پیش مورد توجه و اهتمام استاد سرهنگی قرار گرفت و او دل مشغولی و علاقه خاص شخصی به این قضیه داشت.

وضعیتی نزدیک به فاجعه!

اکنون که نزدیک به چهل‌و‌اندی سال از آن زمان می‌گذرد، اگر قرار است در این سرفصل موضوعی گامی برداشته شود، گویی همان فردی که آغازگر راه بوده، باز هم باید برای برخی پیگیری‌ها گام‌های اساسی را خودش بردارد.

امروز چنین وضعیتی را باید نزدیک به فاجعه بدانیم که دو سال از انتشار یک اثر می‌گذرد و از کتاب «تابستان ۱۳۶۹» چندان بررسی، نقد و تاملی صورت نگرفته است. در کل یک معرفی از کتاب در سایت ناشر موجود است و بعد یک گزارش از مراسم رونمایی، معرفی کتاب و تمام.

فرد مشهور در ادبیات جنگ

استاد سرهنگی فرد مشهوری در ادبیات جنگ است و اثبات شده که در مذاقه، تامل و جزئی‌نگری دقیق در موضوعاتی که ورود پیدا می‌کند، فرد سرآمد و باهوشی است. در این موضوع که در حوزه تخصصی و

سنت دیرینه گزیده‌سازی در ادبیات

کند و دسترسی به همه منابع آنها مقدور نباشد و توندانی که خواندن کدام یک برایت جذابیت خواهد داشت، بنابراین از کارشناسی خبرگانی مثل سرهنگی استفاده می‌کنی. زمانی که ۵ تا ۱۰ کتاب خاطره منتشر شود، چون محدود است قابل استفاده و در دسترس و مطالعه آن راحت است، اما وقتی به ۳۹۰ اثر برسد که اکنون در حوزه خاطره اسارت منتشر شده است، در اینجا گزیده‌سازی با اهمیت و ضروری به نظر می‌رسد.

ویژگی چهارم

نکته چهارم که اتفاق نادری است یادداشت‌های مولف یعنی آقای سرهنگی است که در واقع بخشی از سوانح پدید آمدن کتاب‌های دفاع مقدس را بیان می‌کند که چگونه منتشر می‌شوند، پیش و پس از انتشار چه سیری دارند؟ سرهنگی در این یادداشت‌ها از آشنایی خود با سوزۀ می‌گوید و این که در زمان انتشار چه اتفاقی افتاد و پس از آن، چه رخ داده است. آن هم با نگاه ادبی و ذوقی خودش.

ویژگی پنجم

نکته آخر که به نظر با کتاب «سیاه چال مستر» شروع شد، نوشتن مشارکتی سرهنگی به همراه محبوبه عزیزی و محمدعلی آقامیرزایی است که تیمی تشکیل داده‌اند و مدت‌هاست منشأ نشر آثار ارزشمندی شده‌اند. در غرب این شیوه ده‌ها سال است که شکل گرفته و سنت نوشتن و پدیدآوری مشارکتی در غرب در زمینه موسیقی، ادبیات و هنر وجود دارد. در ایران هم به شکلی سال‌هاست در جریان است. هر چند هنوز در کشور ما ناشناخته است. به نظر از همین منظر، مفهوم «نویسنده در سایه» درباره خاطرات آدم‌های معروف سیاسی دنیا مطرح است که حتی اسم نویسنده در آثار منتشر شده ذکر نمی‌شود.



این کتاب یک

گزیده‌سازی است

که سنت دیرینه

در ادبیات فارسی

ما محسوب

می‌شود و به

ادبیات جنگ

هم سرایت کرده

است. شخصا

تجربه‌های

شیرینی

از مطالعه

گزیده‌های

ادب فارسی در

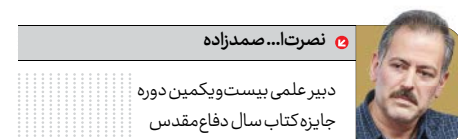
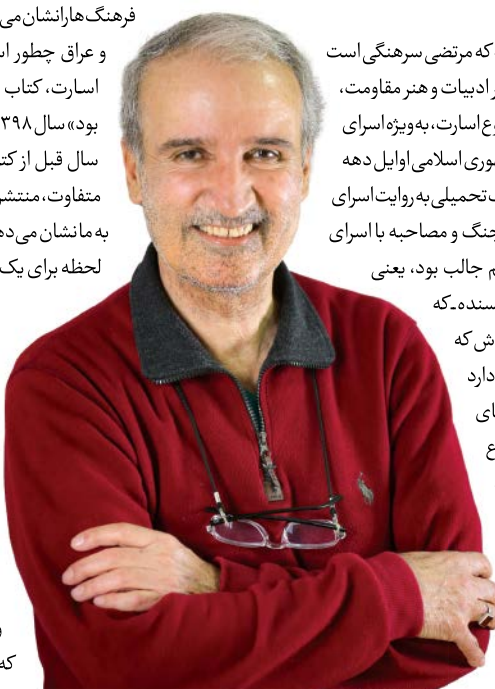
خاطرتم دارم

ویژگی دوم

نکته دوم؛ ویژگی خود اسارت است که در مباحث مختلف جنگ جایگاه خاصی دارد. معتقدم اسارت اتفاق عجیبی است که در آن لایه‌های زیرین و پنهان فرهنگ‌ها را به ما نشان می‌دهد. وقتی ما روایت ایرانی و عراقی را از اسارت بیان می‌کنیم در واقع عراقی با فرهنگ خودش و ایرانی با فرهنگش مقابل هم قرار می‌گیرند. اسارت مثل جنگ تن به تن، مواجهه دو انسان با دو هویت مختلف است. یعنی در واقع تقابل فرهنگ‌ها را نشان می‌دهد که ما چگونه اسیرداری کردیم و عراق چطور اسیرداری کرد. درخصوص لحظه اسارت، کتاب دیگری با عنوان «زمان ایستاده بود» سال ۱۳۹۸ با قلم فرزانه قلعه‌قوند، یعنی سه سال قبل از کتاب تابستان ۱۳۶۹ در ساختاری متفاوت، منتشر شده است. قلعه‌قوند و سرهنگی به ما نشان می‌دهند که لحظه اسارت، سخت‌ترین لحظه برای یک سرباز است.

ویژگی سوم

این کتاب یک گزیده‌سازی است که سنت دیرینه در ادبیات فارسی ما محسوب می‌شود و به ادبیات جنگ هم سرایت کرده است. شخصا تجربه‌های شیرینی از مطالعه گزیده‌های ادب فارسی در خاطراتم دارم. وقتی گزیده‌سازی مطرح می‌شود که داده‌ها و اطلاعات، فراوانی پیدا



نصرت‌الله صمدزاده

دبیر علمی بیست و یکمین دوره
جایزه کتاب سال دفاع مقدس

از نگاه من، کتاب پنج ویژگی کلی دارد که درباره هر کدام از این ویژگی‌ها می‌توانیم جداگانه بحث کنیم.

ویژگی اول

نخستین ویژگی پدیدآورنده کتاب است که مرتضی سرهنگی است و تصور می‌کنم حتی قبل از تشکیل دفتر ادبیات و هنر مقاومت، کار برجسته خبرنگاری خودش را با موضوع اسارت، به ویژه اسرای عراقی شروع کرده باشد. در روزنامه جمهوری اسلامی اوایل دهه ۶۰ ستونی وجود داشت بانام «اسرار جنگ تحمیلی به روایت اسرای عراقی» که محصول ورود سرهنگی به جنگ و مصاحبه با اسرای عراقی بود. هدف‌گذاری این ستون هم جالب بود، یعنی جنگ از منظر دشمن. از این رو خود نویسنده که مرتضی سرهنگی باشد - و تجربه زیسته‌اش که مدام در فضای اسارت چرخیده، اهمیت دارد و در فضای این کتاب نمود پیدا کرده و جای بحث و بررسی دارد که از چه زمانی شروع شده، چه تظوری داشته تا به این کتاب رسیده است. می‌دانیم که روایت‌های آن ستون‌ها بعداً با همین نام، یعنی اسرار جنگ تحمیلی به روایت اسرای عراقی؛ سال ۱۳۶۳ در انتشارات سروش چاپ شد.